

بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان

مهدی مرادی¹
زکيه مرندی²

چکیده

هدف: رشد امور غیر اخلاقی در محیط کسب و کار امروزی، توجه صاحب‌نظران حرفه‌های مختلف را به بحث دربارهٔ اخلاق و تأثیر آن در حوزه‌های حرفه‌ای آنها معطوف ساخته است. هدف این مطالعه، بررسی رابطهٔ بین متغیرهای فردی جنسیت، سن، سطح تحصیلات، تجربهٔ حرفه‌ای و رشتهٔ تحصیلی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان رشتهٔ حسابداری و مدیریت بود. **روش:** تحقیق حاضر از نوع مطالعات توصیفی و پیمایشی است. جامعهٔ آماری پژوهش، دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های حسابداری و مدیریت دانشگاه‌های سطح کشور ایران در سال تحصیلی 93-94 بودند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامهٔ تصمیم‌گیری اخلاقی در موقعیتهای سازمانی ویسبرود (2009) استفاده شد و برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از آزمون تحلیل واریانس دو راهه بهره گرفته شد. **یافته‌ها:** نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌ها حاکی از آن است که بین دانشجویان رشتهٔ حسابداری و مدیریت در اثر متغیرهای جنسیت، سن، سطح تحصیلات، رشتهٔ تحصیلی و تجربه، بر قضاوت‌های اخلاقی‌شان تفاوت معناداری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** نتایج این تحقیق مبین این موضوع است که در دانشگاه‌ها و نهادهای آموزشی سطح کشور، باید اقدامات و زمینه‌های لازم و مناسب برای افزایش سطح درک اخلاقی افراد به نحو مؤثری صورت گیرد.

واژگان کلیدی: قضاوت اخلاقی، ویژگی‌های فردی، حسابداری، مدیریت.

دریافت مقاله: 95/03/19؛ تصویب نهایی: 95/11/24

1. دکتری حسابداری، دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) / مشهد مقدس، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، گروه حسابداری / شماره: 38811243 / Email: mhi_moradi@um.ac.ir
2. دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

الف) مقدمه

در زندگی دائماً پیرامون موضوعات مختلف در حال تصمیم‌گیری و قضاوت هستیم. گاه این تصمیم‌ها در حوزه مسائل و امور ساده و ابتدایی‌اند و گاه در امور پیچیده و دشوار؛ از جمله تصمیم‌گیری و قضاوت راجع به اموری که در آنها پای رفتار و عمل به صورت اخلاقی مطرح است؛ زیرا در اینجا است که فرد در جهت کسب منافع خود یا جامعه دچار وسوسه و تردید می‌شود. این مسئله به خصوص در حرفه‌های تجاری، از جمله حسابداری و مدیریت، خود را بیشتر نمایان می‌کند. افراد شاغل در این حرفه‌ها به دلیل درگیر بودن در مسائل مالی و اقتصادی می‌توانند فرصت بیشتری را در جهت نقض هنجارهای اخلاقی داشته باشند و این مسئله از آنجا اهمیت می‌یابد که به دنبال سقوط شرکتهای بزرگ از جمله انرون، آرتور آندرسون و سایر شرکتهای سراسر جهان، به شدت به شهرت و اعتبار حرفه حسابداری آسیب رسانده شد و راه برای افزایش اقدامات غیر اخلاقی توسط اعضای این حرفه تا به امروز در حال گسترش بوده است.

متأسفانه تحقیقات و مطالعات صورت گرفته نشان داده‌اند که حسابداران درگیر طیف گسترده‌ای از رفتارهای ناکارآمد در پاسخ به فشارهای زمانی ایجاد شده‌اند (پیرس و سونینی، 2010: 79) که این رفتارها غیر اخلاقی‌اند. اما با این وجود، در مطالعات و پژوهشهای انجام شده، توجه چندانی به رفتارهای اخلاقی و ویژگی‌های فردی‌ای که با تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در تعامل‌اند، نشده است؛ در حالی که برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که تصمیمات اخلاقی به طور قابل توجهی تحت تأثیر ارزشهای شخصی قرار دارند که محتوای تصمیم‌گیری‌ها را در حرفه حسابداری توصیف می‌کنند (داگلاس و همکاران،¹ 2001؛ شافر و همکاران،² 2001؛ کاراکر و همکاران،³ 2009؛ آین و همکاران،⁴ 2013). بنابر این، سؤال پژوهش حاضر این است که آیا ویژگی‌ها و مشخصه‌های فردی هر یک از اعضای حرفه حسابداری و مدیریت، می‌تواند بر قضاوتها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی‌شان تأثیرگذار باشد یا خیر؟ این مطالعه عوامل مؤثر بر دیدگاهها و استدلالهای اخلاقی یک فرد را بررسی می‌کند و به شناخت عواملی که به درک اصول اخلاقی حسابداران و مدیران آینده کمک خواهد کرد، شکل می‌دهد. همچنین رهنمون‌هایی را برای توسعه برنامه‌درسی اخلاقی مناسب دانشجویان، به مؤسسات آموزشی کشور ارائه می‌کند.

1. Douglas, Davidson & Schwartz
 2. Shafer, Morris & Ketchand
 3. Karacaer, Gohar, Aygun & Sayin
 4. Alleyne, McClean & Harper

ب) مبانی نظری

افراد در یک سازمان هر روزه تصمیم‌گیری‌های زیادی را انجام می‌دهند که برخی از آنها با مسائل اخلاقی و شاید حتی با معضلات اخلاقی نسبت دارند. بنابر این، به عنوان یک نتیجه، تصمیمات ما اغلب در معرض ریسک و استرس فرا دارند (سلارت و جانسون،¹ 2011؛ نقل از: شینگ‌لی و سلارت،² 2014). تصمیم اخلاقی به عنوان هر تصمیمی که ممکن است به سود یا ضرر دیگران باشد یا حقوقی را بر برخی از افراد اعمال کند، در حالی که حقوق دیگران را انکار کند؛ تعریف می‌شود (کروسان، مازوتیس و سیجتر، 2013). جونز³ (1991) تصمیم اخلاقی را به عنوان تصمیمی معرفی می‌کند که هم از نظر قانونی و هم از نظر وجدانی برای بخش بزرگی از جامعه قابل قبول باشد (فرگوسن،⁴ 2014). در این راستا، در مدل‌های توسعه‌ای - شناختی بسیاری، از تصمیم‌گیری اخلاقی برای توصیف فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی افراد در زمینه‌های سازمانی استفاده شده است که هر کدام سهم بسزایی را در فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی افراد ایفا می‌کنند؛ از جمله مدل تصمیم‌گیری اخلاقی رست⁵ (1986). رست از یک دیدگاه شناختی - تکاملی با بررسی راهبردهای حل مسئله و ساختارهای شناختی که مردم برای هدایت تصمیم‌گیری اخلاقی خود به کار می‌گیرند، جهت استدلال اخلاقی استفاده می‌کند (ویسبرود،⁶ 2009). رست، چهار جزء متوالی از فرایند استدلال اخلاقی شناسایی کرد که عبارتند از: حساسیت در شناسایی مسئله اخلاقی، قضاوت اخلاقی، قصد عمل اخلاقی و رفتار اخلاقی واقعی (سوینی، آرنولد و پیرس،⁷ 2010). دومین مرحله مدل رست؛ یعنی قضاوت اخلاقی، فرایندی است که فرد نتیجه اخلاقی هدف را شناسایی می‌کند. (ستايش، ماهر و ابوالحلاج، 1391)

تروینو (1986) قضاوت اخلاقی را به عنوان فرایند شناختی می‌داند که فرد تعیین می‌کند آیا یک عمل از نظر اخلاقی صحیح است یا غلط. تصمیم‌گیری بین درست و غلط، عنصری حیاتی در مرحله قضاوت اخلاقی است؛ زیرا اگر افراد انتخاب اخلاقی واقعی از درست و نادرست نداشته باشند، قضاوت‌های آنان نمی‌تواند به عنوان اخلاقی توضیح داده شود (مورفی،⁸ 2007؛ نقل از موسیاح،⁹ 2010). رست و همکارانش (1986) نشان دادند که متغیرهای فردی، روابط بین چهار مرحله را تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر آن، هانت و

-
1. Selart & Johansen
 2. Shing Lee & Selart
 3. Jones
 4. Ferguson
 5. Rest
 6. Weisbrod
 7. Sweeney, Arnold & Pierce
 8. Murphy
 9. Musbah

22 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 22

ویتل¹ (1986) استدلال کردند که ویژگی‌های فردی، تصمیمات اخلاقی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (موسباح، 2010)

مطالعات بسیاری، نقش ویژگی‌های متعدد فردی را بر فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی فردی بررسی کرده‌اند. در این میان، متغیرهای جنسیت، سن، تجربه، سطح آموزش یا رشته تحصیلی در مطالعات تجربی اخلاق کسب‌وکار بیش از هر متغیر دیگری گزارش شده‌اند. برخی مطالعات نشان داده‌اند که بین زنان و مردان، از نظر اخلاقی تفاوتی وجود ندارد (براونینگ و زابریسکی،² 1983؛ دابینسکی و لوی،³ 1985؛ رانکی،⁴ 2000؛ نقل از سونینی، آرنولد و پیرس، 2010). اما برخی دیگر نشان دادند که زنان توانایی تصمیم‌گیری اخلاقی بالاتری نسبت به مردان دارند. به عنوان مثال، بکر و یوستاد (2007) گزارش کردند که زنان نسبت به مردان کمتر تقلب می‌کنند. سانکاران و بیو (2003) نیز دریافتند که زنان نسبت به همکاران مرد خود بیشتر نگران مسائل اخلاقی‌اند. (آلین و همکاران، 2013)

از دیدگاه کوهلبرگ⁵ (1976) سن به طور مثبت بر رشد اخلاقی اثر دارد و با بزرگسالی توسعه می‌یابد (اسماعیل،⁶ 2014). رابطه بین سن و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی در ادبیات اخلاق کسب‌وکار، در پژوهش‌های بسیاری بررسی شده است؛ به عنوان مثال، کامونال و همکاران⁷ (2006) استدلال کردند که سن بر قضاوت‌های افراد در موقعیت‌های اخلاقی تأثیرگذار است. روگر و کینگ⁸ (1992) دریافتند که سن به طور مثبتی با نگرش‌های اخلاقی مرتبط است. (پیرس و سونینی، 2010)

سطح آموزش نیز یکی دیگر از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر قضاوت‌های اخلاقی افراد است. برخی محققان (ستایش و همکاران، 1391)، استدلال کردند که سطح آموزش بر تصمیم‌گیری اخلاقی تأثیری ندارد؛ در حالی که سایر محققان رابطه معنادار قوی بین این دو متغیر را نشان دادند. (کتر و همکاران،⁹ 2007؛ نقل از: ستایش و همکاران، 1391)

در بین متغیرهای مختلف، تجربه، تأثیر انکارناپذیری بر قضاوت‌های افراد دارد؛ زیرا منجر به افزایش توانایی‌های فردی در به کار بردن راهکارهای مختلف در شرایط و موقعیت‌های اخلاقی می‌شود. گلاور و همکاران¹⁰ (2002) استدلال می‌کنند که تجربه بیشتر با آگاهی بیشتر از آنچه از نظر اخلاقی قابل قبول است

-
1. Hunt & Vitell
 2. Browning & Zabriskie
 3. Dubinsky & Levy
 4. Radtke
 5. Kohlberg
 6. Ismail
 7. Comunale, Sexton & Gara
 8. Ruegger & King
 9. Keller, Smith & Smith
 10. Glover, Minnette, Glynda & George

23 \diamond بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان

مرتبط است (موسباح، 2010؛ سوئینی و همکاران، 2010). برخی مطالعات نشان دادند که سالهای تجربه، رابطه مثبت و معناداری با قضاوت‌های اخلاقی دارند (اوری و استیوارت، 2007¹). تعدادی از مطالعات نیز دریافتند بین تجربه و نمرات DIT حسابرسان رابطه منفی وجود دارد (پونمون، 1995²؛ تورن و همکاران، 2003³). برخی محققان استدلال کردند که تخصص دانشگاهی به طور معناداری تفاوت در قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان را توضیح نمی‌دهد (بارت و همکاران، 1994؛ نقل از پیرس و سوئینی، 2010: 83). برخی مطالعات نیز دریافتند که دانشجویان حسابداری نسبت به رشته‌های غیر حسابداری، اخلاقی‌ترند. (ایتون و جیاکومینو، 2000⁴)

ج) پیشینه تحقیق و بسط فرضیه‌ها

استیونز و همکاران⁵ (1989) در بررسی مقایسه‌ای ارزشهای اخلاقی سه گروه شامل دانشجویان، مدیران و وکلا، نتیجه گرفتند که هیچ تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین آنها وجود ندارد. ایتون و جیاکومینو (2000) در تحقیقی نشان دادند که دانشجویان حسابداری نسبت به رشته‌های غیر حسابداری، اخلاقی‌ترند. شاپرو و همکاران⁶ (2003) در مطالعه‌ای نتیجه گرفتند که حسابداران در سطوح اجرایی و ارشد نسبت به سرپرستان و مدیران خود، به احتمال کمتری در رفتارهای غیر اخلاقی شرکت می‌کنند.

در رابطه با نقش جنسیت بر قضاوت‌های اخلاقی، نتایج برخی مطالعات حاکی از این بود که زنان سطح بالاتری از قضاوت‌های اخلاقی نسبت به مردان دارند (بارت و همکاران، 1994؛ دیویدسون، 2000⁷). همچنین یافته‌های مطالعه آلین و همکاران (2013) نشان داد که زنان ارزشهای شخصی و درک بالاتری دارند و از مردان اخلاقی‌ترند. همچنین نتایج آنها نشان داد که دانشجویان غیر حسابداری نسبت به دانشجویان حسابداری ارزشهای شخصی بالاتری داشتند اما کمتر اخلاقی بودند. کلر و همکاران (2007) نیز به بررسی تأثیر جنسیت، سطح تحصیلات، تعصب مذهبی و تجربه کاری بر فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی افراد پرداختند. نتایج آنها نشان داد که تمامی این چهار عامل موجب بروز تفاوت‌هایی در استانداردهای اخلاقی افراد می‌شود. نتایج مطالعه پیرس و سوئینی (2010) نشان داد که جنسیت، نوع درجه و اندازه شرکت، ارتباط معناداری با تصمیم‌گیری اخلاقی دارد. این متغیرها همچنین ارتباط معناداری با درک شدت اخلاقی دارند. جنسیت، اندازه شرکت، سطح آموزش و میزان تجربه، ارتباط معناداری با درک فرهنگ اخلاقی نشان داد. در

1. O'Leary & Stewart
2. Ponemon
3. Thorne
4. Eaton & Giacominio
5. Stevens, Richardson & Abramowitz
6. Shapeero & Killough
7. Davidson

مطالعه‌ای دیگر تأثیر جهت‌یابی اخلاقی و جنسیت بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان سال آخر حسابرسی در استرالیا بررسی شد. در این مطالعه، بین جنسیت و قضاوت‌های اخلاقی رابطه معناداری یافت نشد (Ballantine و مک‌کارت،¹ 2011). در رابطه بین سن و قضاوت‌های اخلاقی نیز نتایج تحقیق روزن و همکاران² (2001) نشان داد پاسخ‌دهندگان مسن‌تر به طور قابل توجهی نمره پایین‌تری در نگرش‌های اخلاقی نسبت به پاسخ‌دهندگان جوان دارند.

در بین پژوهش‌های داخلی در مطالعه رفیعی (1387) نشان داده شد هر چه سابقه کار حسابداران افزایش یابد، رعایت ارزش‌های آیین اخلاقی آنها کاهش می‌یابد. جباری (1388) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان استنباط دانشجویان کارشناسی حسابداری از اخلاق حرفه‌ای نشان داد که متغیر جنسیت بر ابعاد اخلاقی تأثیرگذار است. ستایش و همکاران (1391) در پژوهشی نشان دادند که سازه‌های فردی شامل جنسیت و سن، تأثیر معناداری بر درک اصول اخلاقی به وسیله مدیران ندارد. همچنین در بین سازه‌های اجتماعی، تنها سابقه خدمت دارای رابطه معناداری با درک اصول اخلاقی است و سایر سازه‌ها شامل سطح تحصیلات، رشته تحصیلی و پست سازمانی تأثیری بر درک اصول اخلاقی مدیران ندارند. در مطالعه‌ای دیگر نشان داده شد که بین جنسیت و رفتارهای غیر کاهنده کیفیت حسابرسی، رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین متغیرهای مستقل سابقه کار، سن و سطح تحصیلات، رابطه معنادار منفی با رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی دارند (روایی و همکاران، 1392). سلمان‌پناه و طالب‌نیا (1392) در پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر قضاوت‌های اخلاقی حسابداران رسمی ایران» نتیجه گرفتند که بین ویژگی‌های فردی سن، تجربه کاری و میزان تحصیلات، با قضاوت‌های اخلاقی حسابداران رسمی، هیچ ارتباط معناداری وجود ندارد. در نهایت، شکرخواه و همکاران (1393) نقش تجربه را در تصمیم‌گیری‌های حسابداران و حسابرسان بررسی کردند و به این نتیجه دست یافتند که افراد حرفه‌ای، معیارهای اندازه‌گیری مربوط‌تری را شناسایی می‌کنند و احتمال اتخاذ تصمیم مناسب‌تر و بهینه‌تر با افزایش تجربه حرفه‌ای افراد بیشتر می‌شود.

مرور ادبیات و مبانی نظری، نشان‌دهنده نقش مهم و تأثیرگذار ویژگی‌های فردی بر قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است. از این رو در مطالعه حاضر به منظور بررسی و مقایسه رابطه بین این متغیرها در بین دانشجویان حسابداری و مدیریت، فرضیه‌های ذیل تدوین شد:

1. بین دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت در قضاوت‌های اخلاقی، در گروه مردان و زنان، تفاوت معنادار وجود دارد.

1. Ballantine & McCourt

2. Roozen, De Pelsmacker & Bostyn

25 ♦ بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان

2. بین دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت با سطوح سنی مختلف، در قضاوت‌های اخلاقی، تفاوت معنادار وجود دارد.

3. بین دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، در قضاوت‌های اخلاقی، تفاوت معنادار وجود دارد.

4. بین دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت با سطوح تجربه حرفه‌ای متفاوت، در قضاوت‌های اخلاقی، تفاوت معنادار وجود دارد.

5. بین دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت در سطح قضاوت‌های اخلاقی، تفاوت معنادار وجود دارد.

(د) روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر بر مبنای هدف، جزء پژوهش‌های کاربردی؛ از نظر موقعیت، جزء پژوهش‌های میدانی و از نظر جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، جزء پژوهش‌های توصیفی و در بین پژوهش‌های توصیفی، از نوع پژوهش‌های پیمایشی است. ابزار مورد استفاده در تحقیق، پرسشنامه بود. بخش اول پرسشنامه، شامل اطلاعات سن، جنسیت، مقطع و رشته تحصیلی، نوع دانشگاه و میزان تجربه حرفه‌ای بود و بخش دوم، سؤالات مرتبط با سناریوهای تصمیم‌گیری اخلاقی در موقعیت‌های سازمانی ویسبرود (2009) را شامل می‌شد؛ پنج سناریو در مقیاس لیکرت با دامنه 5 نقطه، از «قطعاً آن را گزارش می‌کنم» (1) تا «قطعاً گزارش نمی‌کنم» (5). تمام اقدامات توصیف‌شده در سناریوها، هنجارهای اخلاقی را نقض می‌کنند؛ بدین معنا که امتیازهای بالاتر سناریوها، رفتار اخلاقی در سطح پایین‌تر را نشان می‌دهند.

به منظور بررسی روایی ابزار اندازه‌گیری، پرسشنامه بین تعدادی از افراد مجرب، توزیع و از آنان خواسته شد نظر خود را در رابطه با محتوای سؤالات بیان کنند. سپس پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و تغییرات ایجادشده و مورد نیاز، صورت گرفت. همچنین در جهت ارزیابی پایایی پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، آزمون آلفای کرونباخ برای تمام سؤالات پرسشنامه محاسبه شد. میزان آلفا برای پرسشنامه تصمیم‌گیری اخلاقی، مقدار 0/88 حاصل شد که نشان‌دهنده اعتبار بالای ابزار تحقیق بود.

جامعه آماری پژوهش حاضر را دانشجویان در حال تحصیل مقطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های حسابداری و مدیریت دانشگاه‌های سطح کشور ایران در سال تحصیلی 93-94 تشکیل می‌دهند. حجم نمونه با استفاده از روش برآورد نسبت جامعه از طریق نرم‌افزار آماری SPSS به تعداد 376 نفر محاسبه شد. سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده به گزینش اعضای نمونه اقدام شد. در مجموع کل پاسخهای دریافتی به صورت حضوری و اینترنتی تعداد 407 پرسشنامه بود. از کل پاسخهای دریافتی تعداد 9 پرسشنامه ناقص بود که از روند بررسی حذف شد. بنابر این، تحلیل‌های آماری بر اساس 398 پرسشنامه صحیح صورت

26 ♦ فرهنگ در دانشگاه اسلامی 22

پذیرفت. همچنین به منظور بررسی و آزمون فرضیه‌های تحقیق به تناسب فرضیه‌ها، از آزمون تحلیل واریانس دو راهه بهره¹ گرفته شد که در آن تأثیر دو متغیر مستقل دو یا چند وجهی بر متغیر وابسته بررسی می‌شود.

هـ) یافته‌های تحقیق

1. یافته‌های توصیفی

جدول 1، توزیع فراوانی ویژگی‌های اعضای نمونه را نمایش می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، از حجم نمونه تعداد 233 نفر از اعضای نمونه را مرد، 354 نفر را دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد و 233 نفر را دانشجویان رشته حسابداری در بر می‌گیرد. همچنین داده‌های مرتبط با نوع دانشگاه، وضعیت اشتغال و میزان تجربه به شرح جدول 1 ارائه شده است.

جدول 1: یافته‌های توصیفی حاصل از مشخصات عمومی اعضای نمونه

متغیر	ابعاد	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	233	58/5
	زن	165	41/5
سطح تحصیلات	کارشناسی ارشد	354	89
	دکتری	44	11
رشته تحصیلی	حسابداری	203	51
	مدیریت	195	49
نوع دانشگاه	دولتی	161	40/5
	آزاد	211	53
	غیرانتفاعی	26	6/5
وضعیت اشتغال	شاغل	278	70
	عدم اشتغال به کار	120	30
میزان تجربه حرفه‌ای	بدون تجربه	101	25/4
	کمتر از 5 سال	145	36/4
	بین 5 تا 10 سال	71	17/8
	بیش از 10 سال	81	20/4

27 ♦ بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان

2. نتایج تحلیل فرضیه‌ها

جدول 2، نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های تحقیق با استفاده از آزمون آنالیز واریانس دو راهه را نشان می‌دهد. در بررسی فرضیه اول تحقیق مبنی بر اثر جنسیت بر قضاوت‌های اخلاقی بین دو گروه دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت، آماره F با مقدار 0/159 و سطح معناداری بیشتر از 0/05 (0/853) حاکی از آن است که بین دو گروه دانشجویان حسابداری و مدیریت در اثر جنسیت بر قضاوت‌های اخلاقی تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتایج تحلیل فرضیه دوم تحقیق با مقدار سطح معناداری 0/165 ($p > 0/05$) نیز نشان می‌دهد در دانشجویان دو رشته تحصیلی، در سطوح مختلف سنی بر قضاوت‌های اخلاقی شان تفاوتی وجود نداشته است. نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم تحقیق مبنی بر اثر گذاری سطح تحصیلات و سطح تجربیات حرفه‌ای بر قضاوت‌های اخلاقی، با مقدار سطح معناداری بیش از سطح خطای 0/05، نشان از عدم تفاوت معنادار بین دو گروه دانشجویان دارد. نتایج حاصل در مورد فرضیه پنجم تحقیق نیز به همین منوال است؛ بدین معنا که بین قضاوت‌های اخلاقی بین دو گروه دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول 2: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

شماره فرضیه	متغیر مستقل	متغیر وابسته	df	F	P مقدار
1	جنسیت × رشته تحصیلی	قضاوت‌های اخلاقی	2	0/159	0/853
2	سن × رشته تحصیلی	قضاوت‌های اخلاقی	4	1/634	0/165
3	تحصیلات × رشته تحصیلی	قضاوت‌های اخلاقی	2	0/304	0/738
4	تجربه کاری × رشته تحصیلی	قضاوت‌های اخلاقی	6	1/031	0/404
5	رشته تحصیلی	قضاوت‌های اخلاقی	2	0/338	0/713

(و) نتیجه‌گیری

امروزه تمرکز بنگاهها و واحدهای تجاری برای کسب حداکثر سود، حسابداران و مدیران واحدهای تجاری را در محیطی مملو از تضاد و فشار قرار داده که به وجود آورنده پیامدهای غیر اخلاقی برای آنها می‌شود. در چنین شرایطی، قضاوت کردن در مورد اینکه آیا یک عمل از نظر اخلاقی صحیح است یا غلط، کار آسانی نیست؛ که این اغلب خود باعث ایجاد معضلات اخلاقی برای افراد در محیط کاری شان می‌شود. در دو دهه گذشته، توجه به رفتارهای اخلاقی (غیر اخلاقی) در سازمانها افزایش یافته است؛ زیرا کسب مهارت‌های مناسب در این زمینه می‌تواند منجر به تسهیل برخی از وظایف مهم افراد در سازمانها شود؛ از جمله می‌توان به تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌های آنان اشاره کرد. درحالی‌که اخلاق به وضوح، حوزه مهمی از

پژوهشهای حسابداری است، تحقیقات قبلی نتایج در هم آمیخته‌ای را به همراه داشتند. علت نتایج مختلط تحقیقات پیشین ممکن است از قلم انداختن برخی از متغیرهای مرتبط یا غیر قابل کنترل باشد که هنوز تأثیر آنها بر تصمیمات و قضاوت‌های اخلاقی ناشناخته باقی مانده است. در تلاش برای ایجاد پلی جهت کاهش این فاصله و شکاف، این پژوهش ویژگی‌های جمعیت‌شناسی را که با توجه به ادبیات قبلی پیش‌بینی می‌شود بر قضاوت‌های اخلاقی افراد نفوذ و تأثیر داشته باشد، بررسی کرد. در حالی که نتایج این تحقیق محدود نیست، اما حوزه مهمی را در حسابداری روشن و برجسته می‌سازد که به اندازه کافی در مورد آن تحقیقی صورت نگرفته است.

یافته‌های حاصل از تحقیق نشان دادند که تفاوت جنسیتی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان تأثیری ندارد؛ همچنان که در پژوهش بالنتین و همکاران (2011)، ستایش و همکاران (1391)، رویایی و همکاران (1392) و سلمان‌پناه و طالب‌نیا (1392)، نتایجی مشابه نتایج مطالعه حاضر یافت شد. اما در سایر پژوهشها از جمله: بارت و همکاران (1994)، دیویدسون (2000)، کلر و همکاران (2007)، پیرس و سوئینی (2010)، آلین و همکاران (2013) و جباری (1388)، چنین استدلال شد که تفاوت‌های جنسیتی اثر معناداری بر استدلالها و قضاوت‌های اخلاقی افراد در پی دارند؛ در حالی که در مطالعه حاضر چنین نتیجه‌ای یافت نشد.

همان‌طور که در نتایج تحقیق مشخص شد، در اثر متغیر سن بر قضاوت‌های اخلاقی، بین دو گروه دانشجویان رشته حسابداری و مدیریت، تفاوت معناداری وجود ندارد. هم‌راستی با آن، سلمان‌پناه و طالب‌نیا (1392) استدلال کردند که ویژگی فردی سن با قضاوت اخلاقی حسابداران رسمی هیچ ارتباط معناداری ندارد. در حالی که رویایی و همکاران (1392) رابطه معنادار منفی بین متغیر سن با رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی را دریافتند. در پژوهش ستایش و همکاران (1391) استدلال شد که سن تأثیر معناداری بر درک اصول اخلاقی مدیران ندارد.

یافته دیگر پژوهش، حاکی از تأثیر نداشتن سطح تحصیلات افراد بر قضاوت‌های اخلاقی است. اما در مطالعه کلر و همکاران (2007) نتیجه گرفته شده که سطح تحصیلات موجب بروز تفاوت‌هایی در استانداردهای اخلاقی افراد می‌شود. همچنین در مطالعه پیرس و سوئینی (2010) ارتباط معناداری بین سطح آموزش با درک فرهنگ اخلاقی نشان داده شده و در پژوهش رویایی و همکاران (1392) ارتباط منفی و معناداری بین سطح تحصیلات با رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی یافت شده است. در عین حال، در مطالعه ستایش و همکاران (1391) و سلمان‌پناه و طالب‌نیا (1392) ارتباطی مبنی بر وجود اثر معنادار در رابطه سطح تحصیلات بر قضاوت اخلاقی یافت نشد.

مطالعه حاضر همچنین نشان داد که بین ویژگی فردی تجربه حرفه‌ای و قضاوت اخلاقی دانشجویان، رابطه معناداری وجود ندارد. در پژوهش سلمان‌پناه و طالب‌نیا (1392) نتایجی مطابق با نتایج مطالعه حاضر

29 \diamond بررسی تأثیر ویژگی‌های فردی بر قضاوت‌های اخلاقی دانشجویان

یافت شد؛ در حالی که در سایر پژوهشها از جمله: کلر و همکاران (2007)، پیرس و سوئینی (2010)، رفیعی (1387)، حساس یگانه و مقصودی (1389)، ستایش و همکاران (1391)، رویایی و همکاران (1392) و شکرخواه و همکاران (1393)، رابطه معناداری بین عامل تجربه با قضاوت‌های اخلاقی به دست آمده است.

یافته آخر تحقیق نیز حاکی از نبود تفاوت معنادار بین دانشجویان رشته‌های حسابداری و مدیریت، در قضاوت‌های اخلاقی است؛ بدین معنا که بین دانشجویان دو رشته در سطح قضاوت‌های اخلاقی‌شان، تفاوتی وجود ندارد. هم‌راستا با نتایج مطالعه حاضر، استیونز و همکاران (1989) در پژوهشی، ارزشهای اخلاقی سه گروه دانشجویان، مدیران و وکلای را بررسی کردند و نشان دادند که تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین آنها وجود ندارد. در پژوهش ستایش و همکاران (1391) نیز نشان داده شد که رشته تحصیلی تأثیری بر درک اصول اخلاقی مدیران ندارد. در حالی که ایتون و جیاکومینو (2000) و آلین و همکاران (2013) چنین استدلال کردند که دانشجویان حسابداری نسبت به رشته‌های غیر حسابداری، اخلاقی‌تر عمل می‌کنند. شاپرو و همکاران (2003) نیز دریافتند که حسابداران در سطوح اجرایی نسبت به سرپرستان و مدیران خود به احتمال کمتری در رفتارهای غیر اخلاقی شرکت می‌کنند.

نتایج حاصل، در هشیارسازی دانشگاهها و سازمانها در ایجاد تفاوت در نحوه عملشان، نقش مهمی را ایفا می‌کند. نتایج این تحقیق مبین این موضوع است که در دانشگاهها و سازمانهای سطح کشور، اقدامات و زمینه‌های لازم و مناسب برای افزایش سطح درک اخلاقی افراد به اندازه کافی صورت نمی‌گیرد. بدین منظور، به دانشگاهها به عنوان مهم‌ترین نهاد در افزایش توانایی درک اخلاقی دانشجویانشان، پیشنهاد می‌شود در برنامه درسی دانشجویان حتماً و به طور خاص، برنامه‌های اخلاقی مناسب را بگنجانند؛ به خصوص در سطوح بالاتر تحصیلی که بیشتر با مسائل و معضلات اخلاقی دست و پنجه نرم می‌کنند، تا بدین وسیله زمینه رعایت هرچه بیشتر اخلاق در کار و وظایف محوله توسط دانشجویان که در حقیقت همان بازوی آینده سازمانها محسوب می‌شوند، فراهم شود.



منابع

- جباری، حسین (1388). استنباط دانشجویان کارشناسی حرفه‌ای از اخلاق حرفه‌ای. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- حساس یگانه، یحیی و امید مقصودی (1389). تأثیر آیین رفتار حرفه‌ای و تجربه بر کیفیت قضاوت حسابرسی. فصلنامه حسابدار رسمی، ش 21: 49-57.
- رفیعی، افسانه (1387). تأثیر جنسیت، مقطع تحصیلی، دینداری و سابقه کار بر تصمیم‌گیری اخلاقی دانشجویان حسابداری در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- رویایی، رمضانعلی؛ قدرت‌اله طالب‌نیا، یحیی حساس یگانه و صابر جلیلی (1392). «بررسی رابطه بین فلسفه اخلاق فردی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی». فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، ش 16: 15-26.
- ستایش، محمدحسین؛ محمدهادی ماهر و مسعود ابوالحلاج (1391). «بررسی تأثیر سازه‌های فردی و اجتماعی بر درک اصول اخلاقی بین مدیران مالی و بودجه دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی کشور». حسابداری سلامت، ش 1، پیاپی 1: 17-32.
- سلمان‌پناه، نجمه و قدرت‌اله طالب‌نیا (1392). «بررسی سزیده عوامل مؤثر بر قضاوت اخلاقی حسابداران رسمی ایران». فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، ش 3: 87-96.
- شکرخواه، جواد؛ محمود قربانی و هادی فلاح (1393). «نقش تجربه در تصمیم‌گیری‌های مدیریت و جایگاه حسابداران مدیریت». دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، ش 10: 107-116.
- Alleyne, P.; C. Cadogan McClean & A. Harper (2013). "Examining Personal Values and Ethical Behaviour Perceptions between Accounting and Non-accounting Students in the Caribbean". *The Accounting Educators Journal*, 47-70.
- Ballantine, J. & P. McCourt (2011). "The Impact of Ethical Orientation and Gender on Final Year Undergraduate Auditing Students' Ethical Judgments". *Accounting Education*, Vol. 20: 187-201.
- Barnett, T.; K. Bass & G. Brown (1994). "The Ethical Judgments of College Students Regarding Business Issues". *Journal of Education for Business*, 69: 333-338.
- Becker, D.A. & I. Ulsad, I. (2007). "Gender Differences in Student Ethics: Are Females Really more Ethical?". *Plagiarism: Cross-disciplinary Studies in Plagiarism, Fabrication, Falsification, and Falsification*, 2: 77-91.
- Browning, J. & N.B. Zabriskie (1983). "How Ethical Are Industrial Buyers?". *Industrial Marketing Management*, 12(4): 219-224.
- Comunale, C.L.; T.R. Sexton & S.C. Gara (2006). "Professional Ethical Crises: A Case Study of Accounting Majors". *Managerial Auditing Journal*, 21 (6): 636-656.
- Crossan, M.; D. Mazutis & G. Seijts (2013). "In Search of Virtue: The Role of Virtues, Values and Character Strengths in Ethical Decision Making". *Journal of Business Ethics*, 112: 567-581.
- Davidson, R.A (2000). "Differences in Ethical Judgements between Male and Female Accountants". *Working Paper*, 1-24.

- Douglas, P.C.; R.A. Davidson & B.N. Schwartz (2001). “**The Effect of Organizational Culture and Ethical Orientation on Accountants’ Ethical Judgments**”. *Journal of Business Ethics*, 23 (2): 101-121.
- Dubinsky, A.J. & M. Levy (1985). “**Ethics in Retailing: Perceptions of Salespeople**”. *Journal of Academy of Marketing Science*, 12 (1): 1-16.
- Eaton, T.V. & D.E. Giacominio (2000). “**Personal Values of Business Students: Differences by Gender and Discipline**”. *Research on Accounting Ethics*. 7: 83-102.
- Ferguson, J.L. (2014). “**Excessive Risk Exposure: A Question of Ethical Decision-Making**”. *Journal of Business Research*, 67: 2684-2685.
- Glover, S.H.; A.B. Minnette, F.S. Glynda & A.M. George (2002). “**Gender Differences in Ethical Decision Making**”. *Women in Management Review*, 17 (5): 217-227.
- Hunt, S.D. & S.J. Vitell (1986). “**A General Theory of Marketing Ethics**”. *Journal of Macromarketing*, 6 (1): 5-16.
- Ismail, S. (2014). “**Effect of Ethical Ideologies on Ethical Judgment of Future Accountants: Malaysian Evidence**”. *Asian Review of Accounting*, 22 (2): 145-158.
- Jabari, H. (2009). **Undergraduate Professional Understanding of Professional Ethics**. Doctoral Dissertation. Islamic Azad University, Science and Research Branch of Tehran.
- Jones, T.M. (1991). “**Ethical Decision-Making by Individuals in Organizations: An Issue-Contingent Model**”. *Academy of Management Review*, 79: 97-116.
- Karacaer, S.; R. Gohar, M. Aygun & C. Sayin (2009). “**Effects of Personal Values on auditor’s Ethical Decisions: A Comparison of Pakistani and Turkish Professional auditors**”. *Journal of Business Ethics*, 88: 53-64.
- Keller, A.C.; K. Smith & M. Smith (2007). “**Do Gender, Educational Level, Religiosity, and Work Experience Affect the Ethical Decision-Making of U.S. Accountants?**”. *Critical Perspectives on Accounting*, 18; 299-314.
- Kohlberg, L. (1976). “**Moral Stages and Moralization: the Cognitive-Development Approach**”, in T. Lickona (Ed.). *Moral Development and Behaviour*, Holt, Rinehart and Winston, New York, NY.
- Murphy, S.T. (2007). **A Model of Influences on Ethical Decision-Making: Individual and Situational Effects**. Unpublished PhD, University of Oklahoma, Norman.
- Musbah, A.Y.S. (2010). **The Role of Individual Variables, Organizational Variables, and Moral Intensity Dimensions in Accountants’ Ethical Decision Making: A Study of Management Accounting in Libya**. Thesis Degree of Doctor of Philosophy. University of Huddersfield Business School.
- O’Leary, C. & J. Stewart (2007). “**Governance Factors Affecting Internal auditors’ Ethical Decision-Making: An Exploratory Study**”. *Managerial Auditing Journal*, 22 (8): 787-808.
- Pierce, B. & B. Sweeney (2010). “**The Relationship between Demographic Variables and Ethical Decision Making of Trainee Accountants**”. *International Journal of Auditing*, 14 (1): 79-99.
- Ponemon, L. (1995). “**The Objectivity of Accountant Litigation Support Judgments**”. *The Accounting Review*, 70: 467-488.
- Radtke, R.R. (2000). “**The Effects of Gender and Setting on Accountants’ Ethically Sensitive Decisions**”. *Journal of Business Ethics*, 24: 299-312.

- Rafiee, A. (2008). **The Impact of Gender, Educational Level, Religion and History of Work on Accounting Students Ethical Decision-Making in Iran**. Thesis. Tehran University.
- Rest, J. (1986). **Moral Development: Advances in Research and Theory**. New York: Praeger.
- Roozen, I.; P. De Pelsmacker & F. Bostyn (2001). **“The Ethical Dimensions of Decision Processes of Employees”**. *Journal of Business Ethics*, 33: 87-99.
- Royaee, R.; GH. Talebnia, Y. Hassas Yeganeh & S. Jalili (2013). **“Relationship between Personal Moral Philosophy and Demographic Characteristics With audit Quality Reduction Behaviors”**. *Management Accounting*, Vol. 6, No. 16: 15-26.
- Ruegger, D. & E.W. King (1992). **“A Study of the Effect of Age and Gender upon Student Business Ethics”**. *Journal of Business Ethics*, 11: 179-186.
- Salman Panah, N. & GH. Talebnia (2013). **“Factors Affecting Iranian CPA’s Ethical Judgment”**. *Management Accounting*, Vol. 6, No. 3: 87-96.
- Sankaran, S. & T. Bui (2003). **“Relationship between Student Characteristics and Ethics: Implications for Educators”**. *Journal of Instructional Psychology*, 30 (3): 240-253.
- Selart, M. & S.T. Johansen (2011). **“Ethical Decision Making in Organizations: The Role of Leadership Stress”**. *Journal of Business Ethics*, 99: 129-143.
- Setayesh, M.H., M.H. Maher & M. Abolhallaj (2012). **“The Effect of Personal and Social Characteristics on Perception of Moral Principles among Directors of Finance and Budget of Universities of Medical Science in Iran, Quarterly”**. *Journal of Health Accounting*, Vol. 1, No. 1: 17-32.
- Shafer, W.E.; R.E. Morris & A.A. Ketchand (2001). **“Effects of Personal Values on Auditors’ Ethical Decisions”**. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 14 (3): 254-277.
- Shapeero, M., H.C. Koh & L.N. Killough (2003). **“Underreporting and Premature Sign-off in Public Accounting”**. *Managerial Auditing Journal*, 18 (6/7): 478-489.
- Shekarkhah, J.; M. Ghorbani & H. Fallah (2014). **“The Role of Experience in Managerial Decision Making and the Place of Managerial Accountants”**. *Accounting Knowledge and Management Auditing*, Vol. 3, No. 10: 107-116.
- Shing Lee, W. & M. Selart (2014). **“The Influence of Emotions on Trust in Ethical Decision Making”**. *Problems and Perspectives in Management*, 12 (4): 573-580.
- Stevens, G.E.; W.D. Richardson & A.E. Abramowitz (1989). **“Perceptual Differences of Ethical Decision Situations Business vs Law: a Difference of Opinion?”**. *Southern Management Association Proceedings*, 199-201.
- Sweeney, B., D. Arnold & B. Pierce (2010). **“The Impact of Perceived Ethical Culture of the Firm and Demographic Variables on Auditors, Ethical Evaluation and Intention to Act Decisions”**. *Journal of Business Ethics*, 93: 531-551.
- Thorne, L.; D. Massey & M. Mangan (2003). **“Institutional Context and Auditors’ Moral Reasoning: A Canada-USA Comparison”**. *Journal of Business Ethics*, 43 (4): 305-321.
- Weisbrod, E. (2009). **“The Role of Effect and Tolerance of Ambiguity in Ethical Decision Making”**. *Advances in Accounting, Incorporating Advances in International Accounting*, 25: 57-63.

